

مقایسه اثر بخشی دو رویکرد چند محوری بومی و غیر بومی بر مهارت های فردی ،

بین فردی، کاربردی و فکری کارآفرینی

دکتر کاترین فکری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

Katrin_fekri@yahoo.com

دکتر عبدالله شفیق آبادی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

shafiabadi@atu.ac.ir

دکتر ژاله رفاهی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه مشاوره، مرودشت، ایران

zrefahi2000@yahoo.com

پریسا زابلی

کارشناسی ارشد مشاوره، مشاور تحصیلی آموزش و پرورش استان تهران شهرستان شهریار

Parisa18_z@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش مقایسه تاثیر الگوی چند محوری شفیق آبادی با نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی (فردی، بین فردی، کاربردی، و فکری) بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان علاقمند شرکت در کلاس های کارآفرینی مشاوره و روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت بودند که نمره کمتری در پرسشنامه مهارت های کارآفرینی کسب کرده بودند. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ۶۰ نفر از این افراد انتخاب و به تصادف در گروه گواه و آزمایش او ۲ جایگزین شدند. نتایج نشان داد که هر دو الگو بر افزایش مهارت های کارآفرینی دانشجویان موثر است اما بین اثر بخشی دو الگو تفاوتی وجود ندارد.

واژگان کلیدی: رویکرد چند محوری، مهارت های کارآفرینی، بومی و غیر بومی

مقدمه

کارآفرینی به عنوان فرایند پویای تولید تدریجی ثروت شناخته شده است، کارآفرینی فرایند خلق چیزی نو و با ارزش با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش ریسک‌های متعدد مالی، روانی و اجتماعی برای بدست آوردن رضایت شخصی، استقلال و منافع مالی است (اکبری، ۱۳۸۷؛ جهانیان، ۱۳۸۷).

مهارت‌های کارآفرینی مجموعه‌ای از توانایی‌های بالقوه هستند که با تکرار و تمرین تقویت شدند و می‌توانند زمینه بروز رفتارهای کارآفرینانه و ایجاد شغل جدید را فراهم کنند. این مهارت‌ها به ۴ دسته تقسیم شده‌اند. که عبارتند از: مهارت‌های فردی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های کاربردی، و مهارت‌های فکری (پرداختچی و شفیع‌زاده، ۱۳۸۵).

با نگاهی به روند رشد و توسعه جهانی مشخص می‌شود که با افزایش و گسترش فناوری‌های پیشرفته، نقش و جایگاه کارآفرینان به طور فزاینده‌ای بیشتر می‌شود. پس می‌توان گفت که ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. اگرچه در سال‌های گذشته اختراع جایگاه مهمی در پیشرفت و توسعه کشورها داشته است اما امروزه کارآفرینی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. به نحوی که در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر ده‌های طلایی کارآفرینی نام گرفته است. امروزه با توجه به افزایش رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه اهمیت نظام آموزشی و پژوهشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود. اکنون در عرصه جهانی کارآفرینان منشاء تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تولیدی، و خدماتی شده‌اند و از آنان به عنوان قهرمانان ملی یاد می‌شود. (اکبری، ۱۳۸۷).

تا کنون تحقیقات مختلفی درباره پرورش کارآفرینان صورت گرفته است از آن جمله می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد. سینی لرگانی^۱ و همکاران (۲۰۰۹) ۴۶ نفر از متخصصان کارآفرینی را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که آموزش یک تفکر و فرهنگ کارآفرینی، افزایش مراکز تحقیق و توسعه برای کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی، توسعه ب و کار مبتنی بر سیاست گذاری و برنامه‌ریزی برای آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها براساس ارزش‌های کارآفرینی، و کاری علمی با مراکز آموزشی و پژوهشی در کشورهای توسعه‌یافته از عوامل مهم و موثر بر توسعه تفکر کارآفرینی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اشتغال فارغ التحصیلان دانشگاهی است. پور آتشی و مختارنیا^۲ (۲۰۰۹) با مطالعه روی ۲۰۳ نفر از اعضای هیئت علمی به بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی فارغ التحصیلان کشاورزی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که داشتن انگیزه و نیت و مسائل مالی از مهم‌ترین عوامل موثر بر بروز کارآفرینی هستند. همچنین مشخص شد که داشتن مهارت‌های کسب و

1- Hosseini Largani, S.M

2 - PourAtashi, M & Mokhtarnia, M

کار ۱۸۷۶٪ از واریانس کل عوامل موثر بر بروز کارآفرینی را به خود اختصاص می‌دهد. جهانیان^۳ (۲۰۱۱) با مطالعه روی ۳۴۵ نفر از روسا و معاونین مراکز فنی حرفه‌ای سما در کشور متوجه شد که مهمترین راهبردها برای توسعه کارآفرینی در مراکز فنی و حرفه‌ای عبارتند از: ایجاد فرهنگ کارآفرینی، ایجاد مدیریت کارآفرینی، توسعه آموزش کارآفرینی، ایجاد ساختارهای کارآفرینی، تامین مالی کارآفرینی، بازار یابی کارآفرینی، فعالیتهای پژوهشی تجاری و توسعه کارآفرینی از طریق منابع انسانی خلاق و نوآور. همانطور که مشاهده می‌شود نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه شناخت عوامل موثر بر بروز کارآفرینی اکثرا بر آموزش کارآفرینی و کسب مهارت‌های کسب و کار تاکید دارند لیکن نقش نظریه‌های مشاوره شغلی در آموزش کارآفرینی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مشاوره شغلی به عنوان سنگ بنای مشاوره فرایندی است که در آن مشاور با مراجع همکاری می‌کند تا تصمیمات کاری خود را مشخص و اجرا کند و با این تصمیمات سازگار شود. (آمونسون^۴ و همکاران، ترجمه فیروز بخت، ۱۳۸۹). در بین نظریه‌های مشاوره شغلی الگوی چند محوری شفیع آبادی به عنوان تنها الگوی بومی با تاکید بر ۵ مفهوم پویایی، هدفمندی، خویشتن پنداری، نیازها، و تصمیم گیری امکان طراحی بسته آموزشی کاملی را برای آموزش کارآفرینی فراهم می‌کند که در تحقیقات فکری و همکاران (۱۳۹۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳) نتایج مثبت خود را در آموزش کارآفرینی نشان داده است. در بین نظریه‌های خارجی نیز تنها نظریه کرامبولتز همانند الگوی چند محوری بر ۴ محور استعداد، شرایط محیطی، تجارب یادگیری، و مهارت‌ها تاکید دارد که اثر بخشی خود را در زمینه آموزش کارآفرینی در تحقیقات عابدی و مصحف (۱۳۸۳) و مهرابی رزوه (۱۳۸۵) نشان داده اند. مسلما مقایسه دو روش چند محوری بومی و غیر بومی در زمینه آموزش کارآفرینی که هر یک پیشینه مثبتی هم داشته اند اطلاعات جامعی در اختیار محققان قرار می‌دهد تا الگوی مناسبی را برای آموزش کارآفرینی بر پایه نظریه‌های مشاوره شغلی پیدا کنند. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سؤال است که آیا مشاوره بین اثر بخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری شفیع آبادی با نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر مهارت‌های فردی، بین فردی، کاربردی، و فکری کارآفرینی تفاوت معنادار وجود دارد؟

روش تحقیق

روش پژوهش ما از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان گروه روان شناسی و مشاوره دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بودند که در پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی نمره کمتری گرفته بودند و برای شرکت در کلاس‌های کارآفرینی اعلام آمادگی کرده بودند. از بین جامعه آماری ۶۰ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی لنتخاب و به تصادف در سه گروه گواه و آزمایش او ۲ جایگزین شدند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه مهارت‌های کارآفرینی فکری و همکاران (۱۳۹۱) بود که ۴ خرده مقیاس مهارت

³ - Jahanian, R

⁴ - Amundson, N,A

های بین فردی ، مهارت های فردی ، مهارت های کاربردی ، و مهارت های تفکر را می سنجد . روایی محتوایی اش توسط متخصصان تایید شده بود و اعتبارش با اجرا روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران ۰/۸۱ بدست آمده بود . داوطلبان با ۴ گزینه هرگز ، به ندرت ، اغلب ، و همیشه که به ترتیب از راست به چپ نمره ۱ ، ۲ ، ۳ ، و ۴ را به خود اختصاص می دهند به سوالات این پرسشنامه پاسخ می دادند . حداقل نمره هر خرده مقیاس ۵ و حداکثر ۲۰ تعیین شده بود . سپس گروه های آزمایش شماره ۱ هشت جلسه ۱/۵ ساعته آموزش براساس الگوی چند محوری شفیع آبادی و گروه شماره ۲ هشت جلسه آموزش براساس نظریه یادگیری اجتماعی کرامولتز دریافت کردند و در گروه گواه مداخله ای صورت نگرفت . سرانجام پس از آزمون برای هر سه گروه اجرا شد و داده ها تجزیه و تحلیل شدند .

یافته ها

قسمت اول : آمار توصیفی

در این بخش از طریق آمارهایی مانند میانگین ، انحراف استاندارد و دامنه تغییر و فراوانی و درصد فراوانی داده های پژوهش توصیف شده است .

جدول (۱) توصیف نمرات مهارت های ۴ گانه کارآفرینی در ۲ گروه آزمایشی و گروه کنترل در مرحله پیش آزمون

متغیرها	گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه تغییر
مهارت های بین فردی	الگوی چند محوری	۲۰	۹/۸	۱/۷۶	۶
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۹/۳۵	۱/۶۹	۷
	کنترل	۲۰	۹/۸	۲/۲۸	۸
مهارت های فردی	الگوی چند محوری	۲۰	۹/۴۵	۱/۷۹	۶
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۸/۶	۲/۰۶	۸
	کنترل	۲۰	۸/۵۵	۱/۷	۵
مهارت های کاربردی	الگوی چند محوری	۲۰	۹/۱۵	۱/۹۵	۷
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۸/۵۵	۰/۹۴	۴
	کنترل	۲۰	۷/۷	۱/۳۴	۵
مهارت های فکری	الگوی چند محوری	۲۰	۹/۵۵	۱/۸۲	۸
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۸/۱۵	۱/۶۹	۷
	کنترل	۲۰	۸/۶۵	۲/۳۶	۹

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۱ میانگین نمره مهارت های بین فردی افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پیش آزمون ۹/۸ با انحراف استاندارد ۱/۷۶ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۹/۳۵ با انحراف استاندارد ۱/۶۹ و در بین افراد گروه گواه ۹/۸ با انحراف استاندارد ۲/۸ گزارش شده است .

میانگین نمره مهارت های فردی افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پیش آزمون ۹/۴۵ با انحراف استاندارد ۱/۷۹ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۸/۶ با انحراف استاندارد ۲/۰۶ و در بین افراد گروه گواه ۸/۵۵ با انحراف استاندارد ۱/۷ گزارش شده است .

میانگین نمره مهارت های کاربردی افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پیش آزمون ۹/۱۵ با انحراف استاندارد ۱/۹۵ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۸/۵۵ با انحراف استاندارد ۰/۹۴ و در بین افراد گروه گواه ۷/۷ با انحراف استاندارد ۱/۳۴ گزارش شده است .

میانگین نمره مهارت های فکری افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پیش آزمون ۹/۵۵ با انحراف استاندارد ۱/۸۲ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۸/۱۵ با انحراف استاندارد ۱/۶۹ و در بین افراد گروه گواه ۸/۶۵ با انحراف استاندارد ۲/۳۶ گزارش شده است .

جدول (۲) توصیف نمرات مهارت های ۴ گانه کارآفرینی در ۲ گروه آزمایشی و گروه کنترل در مرحله پس آزمون

متغیرها	گروهها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه تغییر
مهارت های بین فردی	الگوی چند محوری	۲۰	۱۵/۱۵	۱/۸۷	۶
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۱۴/۵	۱/۳۱	۵
	کنترل	۲۰	۹/۸۵	۲/۰۳	۷
مهارت های فردی	الگوی چند محوری	۲۰	۱۵/۵	۱/۵۳	۵
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۱۳/۸	۱/۸۲	۸
	کنترل	۲۰	۸/۴۵	۱/۷۶	۵
مهارت های کاربردی	الگوی چند محوری	۲۰	۱۴/۶	۱/۷۸	۶
	نظریه یادگیری اجتماعی	۲۰	۱۳/۸	۱/۹۶	۸
	کنترل	۲۰	۷/۵	۱/۵	۵
مهارت های فکری	الگوی چند محوری	۲۰	۱۵/۸۵	۱/۲۲	۴

۸	۱/۷۶	۱۴/۵۵	۲۰	نظریه یادگیری اجتماعی
۱۱	۲/۶۴	۸/۴۵	۲۰	کنترل

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۲ میانگین نمره مهارت های بین فردی افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پس آزمون ۱۵/۱۵ با انحراف استاندارد ۱/۸۷ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۱۴/۵ با انحراف استاندارد ۱/۳۱ و در بین افراد گروه گواه ۹/۸۵ با انحراف استاندارد ۲/۰۳ گزارش شده است .

میانگین نمره مهارت های فردی افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پس آزمون ۱۵/۵ با انحراف استاندارد ۱/۵۳ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۱۳/۸ با انحراف استاندارد ۱/۸۲ و در بین افراد گروه گواه ۸/۴۵ با انحراف استاندارد ۱/۷۶ گزارش شده است .

میانگین نمره مهارت های کاربردی افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پس آزمون ۱۴/۶ با انحراف استاندارد ۱/۷۸ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۱۳/۸ با انحراف استاندارد ۱/۹۶ و در بین افراد گروه گواه ۷/۵ با انحراف استاندارد ۱/۵ گزارش شده است .

میانگین نمره مهارت های فکری افراد گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری در مرحله پس آزمون ۱۵/۸۵ با انحراف استاندارد ۱/۲۲ و در بین گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی ۱۴/۵۵ با انحراف استاندارد ۱/۷۶ و در بین افراد گروه گواه ۸/۴۵ با انحراف استاندارد ۲/۶۴ گزارش شده است.

جدول (۳) نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه جهت بررسی تفاوت میانگینهای مهارت های ۴ گانه کارآفرینی در بین سه گروه (مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری، نظریه یادگیری اجتماعی و گروه کنترل)

متغیر	منابع تغییرات	جمع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	Fنسبت	سطح معناداری
بین فردی	بین گروهی	۳۶۰/۹۳	۲	۱۸۰/۴۶	۴۸/۹۷	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۲۱۰/۰۵	۵۷	۳/۶۸		
	کل	۵۷۰/۹۸	۵۹			
فردی	بین گروهی	۴۴۴/۲۳	۲	۲۲۲/۱۱	۷۱/۹۵	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۷۵/۹۵	۵۷	۳/۰۸		
	کل	۶۲۰/۱۸	۵۹			
کاربردی	بین گروهی	۴۱۱/۱	۲	۲۰۵/۵۵	۱۱۷/۲۸	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۹۹/۹	۵۷	۱/۷۵		
	کل	۵۱۱	۵۹			
فکری	بین گروهی	۵۷۲/۱۳	۲	۲۸۶/۰۶	۹۳/۶	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۱۷۴/۲	۵۷	۳/۰۵		
	کل	۷۴۶/۳۳	۵۹			

جهت بررسی تفاوت میانگین های نمره های افتراقی مهارت های ۴ گانه کارآفرینی در بین دو گروه آزمایشی و گروه کنترل از آمار تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است سطوح معناداری F در متغیر کل مهارت های کارآفرینی و خرده مقیاس های آن همگی از خطای ۰/۰۵ کوچکتر بود ($P=۰/۰۰۱$) که از لحاظ آماری معنادار شده است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که بین میانگین های دو گروه آزمایشی ۱ و ۲ و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول (4) نتایج آزمون Tamhan جهت مقایسه ی میانگین های افتراقی پس آزمون - پیش آزمون نمره های مهارت های
۴ گانه کارآفرینی در بین دو گروه آزمایشی و گروه کنترل

متغیرها	گروه ها	الگوی چند محوری	یادگیری اجتماعی	کنترل
	میانگین ها	۲۳/۱۵	۲۲	-۰/۵۵
کل مهارت های کار آفرینی	الگوی چند محوری	---	۰/۹۱۷	۰/۰۰۱
	نظریه یادگیری اجتماعی	۰/۹۱۷	---	۰/۰۰۱
	کنترل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	---
بین فردی	الگوی چند محوری	---	۰/۹۹۰	۰/۰۰۱
	نظریه یادگیری اجتماعی	۰/۹۹۰	---	۰/۰۰۱
	کنترل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	---
فردی	الگوی چند محوری	---	۰/۵۰۱	۰/۰۰۱
	نظریه یادگیری اجتماعی	۰/۵۰۱	---	۰/۰۰۱
	کنترل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	---
کاربردی	الگوی چند محوری	---	۰/۹۷۱	۰/۰۰۱
	نظریه یادگیری اجتماعی	۰/۹۷۱	---	۰/۰۰۱
	کنترل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	---
فکری	الگوی چند محوری	---	۰/۹۹۸	۰/۰۰۱
	نظریه یادگیری اجتماعی	۰/۹۹۸	---	۰/۰۰۱
	کنترل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	---

فرضیه اول: مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی دانشجویان موثر است.

- بین میانگین های مهارت های بین فردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و گروه کنترل تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($Sig = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری بر میزان مهارت های بین فردی کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

- بین میانگین های مهارت های فردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و گروه گواه تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($Sig = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری بر میزان مهارت های فردی کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

- بین میانگین های مهارت های کاربردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و گروه کنترل تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($Sig = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری بر میزان مهارت های کاربردی کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

- بین میانگین های مهارت های فکری کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و گروه کنترل تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($Sig = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری بر میزان مهارت های فکری کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

فرضیه دوم: مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی دانشجویان موثر است.

- بین میانگین های مهارت های بین فردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی و گروه کنترل تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($Sig = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی بر میزان مهارت های بین فردی کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

- بین میانگین های مهارت های فردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی و گروه کنترل تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($Sig = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی بر میزان مهارت های فردی کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

- بین میانگین های مهارت های کارآفرینی مهارت های کاربردی گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی و گروه گواه تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($\text{sig} = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی بر میزان مهارت های کاربردی کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

- بین میانگین های مهارت های فکری گروه مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی و گروه گواه تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($\text{sig} = 0/001$) و می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی نیست و متغیر مستقل مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی بر میزان مهارت های فکری کارآفرینی دانشجویان تاثیر گذار بوده است.

فرضیه سوم: بین میزان اثر بخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی بر مهارت های 4 گانه کارآفرینی دانشجویان تفاوت وجود دارد.

- بین میانگین های مهارت های بین فردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد ($\text{sig} = 0/99$). می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی است. لذا نتیجه می گیریم بین اثر بخشی دو شیوه در میزان نمره مهارت های بین فردی دانشجویان تفاوتی نداشته است.

- بین میانگین های مهارت های فردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد ($\text{sig} = 0/501$). می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی است. لذا نتیجه می گیریم بین اثر بخشی دو شیوه در میزان نمره مهارت های فردی دانشجویان تفاوتی نداشته است.

- بین میانگین های مهارت های کاربردی کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد ($\text{sig} = 0/971$). می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی است. لذا نتیجه می گیریم بین اثر بخشی دو شیوه در میزان نمره مهارت های کاربردی دانشجویان تفاوتی نداشته است.

- بین میانگین های مهارت های فکری کارآفرینی گروه مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی تفاوت معنادار آماری وجود ندارد ($\text{sig} = 0/998$). می توان گفت اختلاف بین میانگین های دو گروه تصادفی است. لذا نتیجه می گیریم بین اثر بخشی دو شیوه در میزان نمره مهارت های فکری دانشجویان تفاوتی نداشته است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول - مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری بر مهارت های 4 گانه کارآفرینی دانشجویان موثر است.

مثبت دارد. این نتایج با یافته های فکری و همکاران (۱۳۹۱) بطور مستقیم و با پژوهش فکری و همکاران (۲۰۱۲ و ۲۰۱۳) بطور غیر مستقیم همخوان است.

علت اثر بخشی الگوی چند محوری شفیع آبادی را بر افزایش مهارت های کارآفرینی می توان به ترکیب ۵ محور کلیدی پویایی، هدفمندی، خویشتن پنداری، نیازها، و تصمیم گیری در این الگو نسبت داد. چرا که همراه با محور پویایی مهارت های دور اندیشی، اداره تغییرات، و مقابله با تعلل - با محور هدفمندی مهارت های شناخت فرصت ها و برنامه ریزی - با محور خویشتن پنداری مهارت های ریسک پذیری و مواجهه با شکست - با محور نیازها و همچنین بخاطر تشکیل جلسات گروهی برای آموزش کارآفرینی مهارت های ارتباطی - با محور تصمیم گیری مهارت های تفکر خلاق و انتقادی و با ترسیم طرح کارآفرینی مهارت های کاربردی کارآفرینی قابل آموزش دادن هستند.

فرضیه دوم - مشاوره شغلی به شیوه نظریه یادگیری اجتماعی بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی دانشجویان موثر است.

نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد که نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی دانشجویان مشاوره و خرده مقیاس هایش تاثیر مثبت دارد. این نتایج با یافته های عابدی و مصحف (۱۳۸۴) و مهربانی رزوه (۱۳۸۵) بطور غیر مستقیم همخوان است علت اثر بخشی نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز را بر مهارت های کارآفرینی می توان به ترکیب ۴ محور کلیدی استعداد، شرایط محیطی، تجارب یادگیری، و مهارت های انجام کار و همچنین مراحل تصمیم گیری شغلی در این نظریه نسبت داد چرا که همراه با محور استعداد مهارت ریسک پذیری و مواجهه با شکست - با محور شرایط محیطی مهارت شناخت فرصت ها - با محور تجارب یادگیری و همچنین بخاطر تشکیل جلسات گروهی برای آموزش کارآفرینی مهارت های ارتباطی - با محور مهارت های انجام کار مهارت های دوراندیشی، مقابله با تعلل، و اداره تغییرات - با تاکید بر مراحل تصمیم گیری شغلی مهارت های فکری کارآفرینی و با ترسیم طرح کارآفرینی مهارت های کاربردی کارآفرینی قابل آموزش هستند.

فرضیه سوم - بین میزان اثر بخشی مشاوره شغلی به شیوه الگوی چند محوری و نظریه یادگیری اجتماعی بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی دانشجویان تفاوت وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان داد که بین اثر بخشی الگوی چند محوری شفیع آبادی و نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر مهارت های ۴ گانه کارآفرینی دانشجویان و خرده مقیاس هایش تفاوت معنادار وجود ندارد. این نتیجه با یافته های فکری و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوان است.

عدم تفاوت اثر بخشی دو الگو را می توان به تاکید هر دو روش بر چند محور کلیدی انتخاب شغل نسبت داد. بنابراین ناهخوانی نتایج بدست آمده با پژوهش فکری و همکاران (۱۳۹۱) را نیز می توان به نوع نظریه بکار گرفته شده در دو پژوهش (نظریه گاتفردسون نسبت به نظریه کرامبولتز) نسبت داد چرا که محورهای مورد تاکید در نظریه گاتفردسون کمتر از نظریه کرامبولتز است و همین مساله می تواند روی کاربرد این دو نظریه برای آموزش مهارت های گوناگون کارآفرینی تاثیر گذارده بوده باشد.

این مقاله حاصل یافته های طرح پژوهشی است که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت انجام شده است.

منابع

۱- آمونسون، نورمن ای؛ بولسی، جون هریس؛ و نایلز، اسپنسر جی. (ترجمه مهرداد فیروز بخت، ۱۳۸۹). مشاوره شغلی: فرایند و فنون، انتشارات ویرایش، چاپ اول، تهران.

۲- اکبری، کرامت الله. (۱۳۸۷). توسعه کارآفرینی، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ سوم، تهران.

۳- پرداختچی، محمد حسن و شفیع زاده، حمید. (۱۳۸۵). درآمدی بر کار آفرینی سازمانی، انتشارات ارسباران، چاپ اول، تهران.

۴- جهانیان، مهدی. (۱۳۸۷). کارآفرینی فنی و حرفه ای، انتشارات پیام علم و فن، چاپ اول، تهران.

۵- عابدی، محمد رضا و مصحف، هاید. (۱۳۸۳). " بررسی تأثیر مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر تغییر نگرش و افزایش رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه اصفهان"، خلاصه مقالات و سخنرانی های هفته پژوهش دانشگاه اصفهان.

۶- فکری، کاترین؛ شفیع آبادی، عبدالله، نورانی پور، رحمت الله، احقر، قدسی. مقایسه اثر بخشی دو روش مشاوره شغلی مبتنی بر الگوی شفیع آبادی و نظریه کرامبولتز بر رفتار کارآفرینانه و مهارت های کارآفرینی دانشجویان علوم انسانی واحد علوم و تحقیقات، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۹۱.

۷- فکری، کاترین؛ شفیع آبادی، عبدالله، نورانی پور، رحمت الله، احقر، قدسی. (۱۳۹۱). ساخت و اعتبار یابی پرسشنامه مهارت های کارآفرینی، فصلنامه پژوهشنامه تربیتی، سال هفتم، شماره ۳۱، ۱۱۶-۱۰۱.

۸- مهربانی رزوه. " بررسی تأثیر مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر تغییر نگرش و رفتار کارآفرینی دانشجویان اداره کار شهر اصفهان"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روان شناسی، ۱۳۸۵.

9- Fekri, k. ., Shafiabady , A., Nooranipour, R., & Ahghar, Gh. (2012). Determine and compare Effectiveness of entrepreneurship education Based on Multi- axial pattern and Theory of constraints and compromises on learning entrepreneurship skills , Procedia - Social and Behavioral Sciences Journaul , 69, 566-570.

10- Fekri, k. ., Shafiabady , A., Nooranipour, R., & Ahghar, Gh. (2013). Compare effectiveness of Shafiabadi's Model with Gottfredson's Theory on perdurability of entrepreneurial behavior , Reef Resources Assessment and Management Technical Paper, 38(2).333-340.

11- Hosseini Largani , S. M., MirArab Razi, ., & Rezaei, S. (2009). Entrepreneurship education in new millennium as an infrastructure for university graduates employment . Journal of Research and Planning in Higher education , 14 (4(50)) , 119- 137.

12-Jahanian. R. (2011). Reviewing the strategies of developing entrepreneurship in professional technical institutes of Islamic azad university . Educational Administration Research Quarterly , 2 (2) , 51- 74 .

- 13- PourAtashi , M .,& Mokhtarnia , M. (2009). A Study of factors influencing entrepreneurship of agricultural graduates from viewpoint of faculty members of university college of agriculture and natural resources , university of Tehran. Iranian Journal of Agricultural Economics and development research , 40(2), 115- 122.